

بیت العدل اعظم میفرماید: " هنر ها وسایلی مؤثر و قوی برای خدمت به امر الهی هستند " . اهمیت هنرها در ترویج امرالله ص ۳۸

عنوان: نقش هنر در پیشرفت امر مبارک

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع از آثار حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه
۲. ذکر دسته جمعی (به انتخاب جمع)
۳. آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس
۴. بیان مبارکه حضرت رب اعلی
۵. مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء ارواحنا له الفداء
۶. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۷. از مکاتیب محرّره از قِبَلِ حضرت ولی عزیز امرالله
۸. درباره نمایش
۹. دستخط بیت العدل اعظم الهی
۱۰. "فیضی عاشق هنر و ادب بود" .
۱۱. افی بیکر
۱۲. برنامه نوگلان بوستان الهی (حکایت)
۱۳. شور و مشورت و پیشنهاد

قسمت اجتماعی

۱۴. الفت و پذیرائی
۱۵. مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

راهنمای ناظم

با تقدیم تحیات امنع ابھی خدمت آن خادمین برازنده امر یزدان ، این بار نیز با برنامه ای دیگر در خدمتتان هستیم و امید داریم با همدلی و همراهی شما بتوانیم پیام آن را به سمع و نظر احبای الهی رسانیم.

برنامه ای که به ضمیمه تقدیمتان می گردد به بررسی نقش هنر در پیشرفت امر مبارک می پردازد و قصد آن دارد که دیدگاه امر مبارک در خصوص هنر را روشن تر نماید . این برنامه سعی می نماید احبای الهی را به اهمیت بهره مندی از هنر در جهت پیشبرد اهداف عالیہ امر مبارک و انتشار آن در میان دیگران پردازد و اصولاً آن را به عنوان طریق مؤثر در خدمت به امر مبارک و جامعہ بشری معرفی نماید.

مانند همیشه مطمئنیم که با عنایت شما عزیزان این اهداف قابل حصول و وصول است .

اجرتان مأجور.

۱- مناجات شروع از آثار حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

هو الله

ای پروردگار ، ابرار را بزرگوار کن و فیض ابدی آشکار کن . اسرار پدیدار نما و انوار انتشار ده . هر دلی را همدم یادت کن و هر چشمی را روشن و بینا . دوستان را عزیز کن و یاران با فرهنگ و تمیز نما . هر یک را شمع جمع کن و شاهد انجمن نما و سرو این چمن کن و طاووس این گلشن نما ؛ تا جهان را تزئین بخشد و این نور مبین منتشر نما یند و جبین به پرتو فیض قدیم بیاریند . توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا . لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ وَالرَّحِيمُ الْمُعْطَى الْفَضْلَ . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۴۰۷

۲- آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس

إِنَّا حَلَلْنَا لَكُمْ إِصْغَاءَ الْأَصْوَاتِ وَالنَّعْمَاتِ إِيَّاكُمْ أَنْ يُخْرِجُكُمْ الْإِصْغَاءُ عَنِ شَأْنِ الْأَدَبِ وَالْوِقَارِ اِفْرَحُوا بِفَرَحِ اسْمِي الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَوَلَّهْتِ الْأَفْتِدَةَ وَانْجَذَبْتَ عُقُولَ الْمُقَرَّبِينَ . إِنَّا جَعَلْنَا مِرْقَاهُ لِعُرُوجِ الْأَرْوَاحِ إِلَى الْأَفْقِ الْأَعْلَى لَا تَجْعَلُوهُ جَنَاحَ النَّفْسِ وَالْهَوَىٰ إِنِّي أَعُوذُ أَنْ تَكُونُوا مِنَ الْجَاهِلِينَ .

گلزار تعالیم بهائی ص ۲۹۲

مضمون بیان مبارک به فارسی:

همانا حلال نمودیم برای شما شنیدن اصوات و موسیقی را . مبدا این شنیدن ، شما را از آنچه شأن ادب و متانت است خارج نماید . به سرور اسم اعظم من شادی کنید که بواسطه آن قلوب مشتعل شد و عقول نزدیکان جذب گردید . همانا ما قرار دادیم آن را نردبانی برای بلند شدن ارواح به افق اعلی . قرار ندهید آن را بالی برای نفس و هوا . همانا من به خداوند پناه می برم از اینکه از جاهلین باشید .

۳- بیان مبارکه حضرت اعلی

حق است بر عبد که در جمیع مقاماتِ قرائتِ کتابِ الله و مناجات ... مراعات این لحن حسن را نموده ، ولی به شأنی که از حدّ اعتدال فطری خارج نشود ... صوتی که محبوب است عند الله و عند اولیائه ... صوتی است ... که به مجرد استماع آن ، محو کند از حول فؤاد عبد ، کل ذکرِ ما سِوَى الله را و داخل گرداند عبد را بر بساطِ ساحتِ قدسِ قربِ اُنس ... و این نوع از صوت که محمود است ، صوت لحنی است که شمس عظمت و جلال ، قرائت کتابِ الله می فرمودند ...

سفینه عرفان ج ۱ ص ۹۳-۹۲

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای مرغ خوش الحان ، منظومه هایت که در نهایت حلاوت بود ، قرائت گردید و سبب مسرت شد ؛ زیرا ترتیل روحانی بود و نغمه عشق و محبت الهی . تا توانی آغاز این آواز در انجمن راز نما ، تا دلها به وجد و طرب آید و به محبت الله دمساز گردد . فصاحت کلام و بلاغت معنی و حلاوت عبارت ، چون با الحان بدیع جمع شود ، بسیار تأثیر نماید ؛ علی الخصوص که ترتیل آیات توحید باشد و تمجید خداوند مجید . منتهای جهد و کوشش را مجری دار تا آن که اشعاری در نهایت ملاحظت و حلاوت تنظیم نمائی و به آهنگ ملکوت ترتیل کنی تا مانند با ننگ سروش در عقل و هوش شنوندگان تأثیر نماید و عَلَیْكَ التَّحِيه و الثَّنَاء .

پیام آسمانی ج ۲ ص ۴۳

۵- مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء ارواحنا له الفداء

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله الاحلی :

"طبیعی است که قلب و روح از جمیع آن چه که دارای تقارن ، هماهنگی و کمال است لذت ببرند و مسرور شوند . فی المثل یک خانه زیبا ، یک باغ مرتب و منسق ، یک خط متقارن ، یک حرکت موزون ، یک کتاب جاذب و جالب ، البسه خوشایند و دلپذیر ... در واقع جمیع آنچه که بنفسهم دارای لطف و جمالند ، برای قلب و روح خوشایند و مطبوع هستند ... لهذا محقق است که صدای حقیقی ، مورث التذاذ عمیق می گردد . " ۱

نیز می فرمایند ، قوله المتین :

... "از این که مشغول به اکمال صنعتی ، بسیار مسرورم ؛ زیرا صنعت در این دور بدیع ، عبارت از عبادت است . هر چه بیشتر کوشی ، به خدا نزدیکتر گردی . چه موهبتی اعظم از این است که صنعت انسان مثل عبادت حق باشد . یعنی چون قلم تصویر در دست باشد ، مثل این است که در معبد به عبادت حق مشغولی ... " ۲

همچنین می فرمایند ، قوله العزیز :

"جمیع هنرها و فنون ، موهبت روح القدس است . وقتی که این نور در ذهن یک موسیقیدان می درخشد ، در نهایت هماهنگی و جمال ظهور و بروز می نماید ؛ هم چنین ، سطوح آن در ذهن یک شاعر به صورت نظم جمیل و نثر جلیل مشاهده می گردد . وقتی که نور شمس حقیقت ، الهام بخش روان یک نقاش می شود ، تصاویر بدیعه عجیبه به وجود می آورد . این مواهب ، وقتی که به حمد و ثنای الهی مشغول شوند ، به اعلی مقاصد عالیه خود واصل می شوند . " ۳

- ۱۱ اهمیت هنرها در ترویج امرالله ص ۱۵

- ۲ پیام آسمانی ج ۲ ص ۴۳

- ۱۳ اهمیت هنرها در ترویج امرالله ص ۱۴

منسق : منظم و مرتب

۹. درباره نمایش

حضرت عبدالبهاء می فرمایند ، قوله الاحلی : " اما تأثر اگر در دایره آداب باشد و سبب تحسین اخلاق و ترویج معارف و تعدیل هیأت اجتماعیّه و تشویق فضائل انسانیّه و تربیت عمومیّه ، فَنِعْمَ الْمَطْلُوب و اگر اساس هزل و غمز و کمز و از دایره تقدیس خارج و سبب ترویج شهوات ، البته ممنوع . " ۱

هنرپیشه ای به ذکر نمایش و تأثیر آن پرداخت . حضرت عبدالبهاء فرمودند : " نمایش از اهمّیت بسیاری برخوردار است . در گذشته ایام ، دارای قدرت آموزشی عظیم بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود . " ایشان توضیح دادند که در ایام طفولیت ، شاهد نمایش عرفانی مصیبت حضرت علی و خیانت به آن حضرت بودند و چقدر این نمایش بر ایشان تأثیر عمیق گذاشت که گریستند و لیالی متوالی بسیاری را نتوانستند بخوابند . (ترجمه) ۲

در جلد دوّم توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله بیانی درباره نمایش آمده که می تواند در مورد سینما و ... نیز صادق باشد . می فرمایند : " اگر چنانچه نمایشی داده می شود ، باید از حدّ آداب بهائی تجاوز نماید ؛ نمایش ادبی و تاریخی و امری باشد . تقلید اقوام و ملل خارجه ، بسیار مُضِرّ و عَلْتِ توهین امرالله و ایجاد فساد نماید و مضرّ به اخلاق جوانان است ؛ زیرا محیط ، مُسْتَعِدّ این گونه مفاسد و مکاره و افراد اهالی بی قید و وجهشان به غفلت و لا مذهبی متوجّه . احبّاء باید مقاومت نمایند و در رفع این مفاسد بکوشند ، نه آنکه ترویج و تقلید نمایند . " ۳

۱- پیام آسمانی ج ۲ ص ۳۵۶

۲- اهمیت هنرها در ترویج امرالله ص ۱۴

۳-

هزل : مزاح کردن ، سخنی را به شوخی و غیر معقول گفتن غمز : طعنه زدن لمز : مسخره کردن ، عیب کردن

۷- از مکاتیب مُحرَّره از قِبَلِ حضرت ولی عزیز امرالله

الیوم آن چه که مُضِرَّ است نفس هنر نیست ؛ بلکه انحطاط شوم و ناگواری است که غالباً محیط بر هنرها می باشد . ما بهائیان لزومی ندارد که از هنرها احتراز نمائیم ؛ بلکه از اعمال و جوئی که گاهی اوقات به این حِرَف و پیشه ها ملازم است ، باید اجتناب نمود . (ترجمه)

اهمیت هنرها در ترویج امرالله ص ۳۰

۸- دستخط بیت العدل اعظم

هنرمندان بهائی که در زمینه انتخابی خویش از شهرت و آوازه مطلوبی برخوردار می شوند و خویشان را همچنان وقف ترویج امر مبارک می نمایند ، در حال حاضر که اشتیاق عامه به اطلاع از تعالیم بهائی تدریجاً برانگیخته می شود ، می توانند به امر مبارک مساعدت بی نظیری نمایند . (ترجمه)

اهمیت هنرها در ترویج امرالله ص ۴۹

۱۰- فیضی عاشق هنر و ادب بود

...فیضی عاشق هنر و ادبیات و زیبایی و ذوق بود و در این راه ذره ای تعصب نشان نمی داد؛ زیرا هنر دوستی و خوش ذوقی را خصیصه آئین بهائی می دانست و منبع و سرچشمه آن را هر که و هر چه بودمی ستود ... نه تنها در مورد نوشته و ادبیات، بلکه در مورد موسیقی نیز چنین بود. به صدای خوانندگان آن روز عشق می ورزید و آن احساس را پنهان نمی کرد. یک بار در سفری که در حضورشان به شهری به فاصله سه ساعتی کپنهاک می رفتیم، نخستین سؤالی که قبل از حرکت اتومبیل از من کردند این بود که آیا نوار مورد علاقه اش را برداشته ام یا نه ... در همه چیز تعادل داشت و با زندگانی و آثار خود همه را به آن تعادل و برداشت درست از موازین بهائی دعوت می کرد. فیضی می خواست نشان دهد، حیات بهائی یک حیات در بسته و محدود نیست. وی از این که جامعه بهائی با سر در کار خود داشتن، تبدیل به یک گنوی اقلیت دینی شود، وحشت داشت و آن چه کرد برای آن بود که نشان دهد، می توان دری بر دنیای دیگر گشود، در اجتماع بزرگتری زیست و با آن خود را هم آواز و همخوان کرد و بهائی بود و نیز می توان بهائی بود و احساسات و رنجها و دردهای نهفته در دل را در لباس داستان و قصه و شعر و تصنیف و یا فیلم و نمایش بیان کرد. به همان کیفیت، فیضی هنر خط و خطاطی را در همه نامه هایش به کار برد و قطعاتی نوشت و به همه عالم فرستاد، تا نشان ارج و مقام هنر باشد. فیضی نه برای دل خود، بلکه برای نسلهای آینده بهائی این راه را گشود و از این بابت مقامی یکتا و بلند در سراسر تاریخ امر دارد. (جناب فیضی) با آگاه بودن به همه نقائص کارش نوشت تا به نسل کنونی و آینده بهائیان نشان بدهد که این راهی است که باید رفت.

خوشه هائی از خرمن ادب و هنر ش ۱۰ صص ۸۳-۸۲

گتو : ghetto محله اقلیت نشین

افی بیکر دومین بهائی استرالیایی و اولین خانم استرالیایی بود که به امر مبارک اقبال نمود ... او به قصد تشرّف و زیارت به حیفا مسافرت نمود و در این سفر بود که حضرت ولی امرالله از او دعوت فرمودند که در ارض اقدس بماند و در سِمَتِ میهماندار مسافرخانه زائرین غربی که تازه آماده شده بود، انجام وظیفه کند. افی با کمال مسرّت این دعوت را پذیرفت و به خدمت مشغول شد. طولی نکشید که حضرت ولی امرالله به ذوق و هنر عکاسی و مدل سازی او پی بردند. از نیکبختی او این که در همان موقع، هیکل مبارک مشغول تهیّه اوّلین مجلّد کتاب عالم بهائی بودند و افی بیکر عکس های بیشماری از اماکن و باغات بهائی در کوه کرمل تهیّه نمود که بسیاری از آن ها در آن کتاب نشر گردید. علاوه بر آن، حضرت ولی امرالله بسیاری از عکس هائی را که او تهیّه نموده بود در اطاق مبارک و دار الآثار و اماکن امری نصب فرمودند. افی مدّتی نیز از طرف حضرت ولی امرالله به سِمَتِ متصدی دار الآثار بین المللی منصوب و در آن جا خدمت کرد. مشاّرٌ الیها با توجّه به هنر مدل سازی اش با ساختن مدلی برای ایجاد باغات و درختکاری و محوطه سازی، هیکل مبارک را یاری می داد. یکی از خدمات برجسته افی بیکر، مسافرت به ایران بود. در سال ۱۹۳۰ ... هیکل مبارک از او خواستند که به ایران مسافرت نموده، از اماکن تاریخی بهائی و بابی عکسبرداری نماید. او در کمال خلوص، امر مولایش را اجرا نموده و در طی قریب به ۹ ماه، عکسهای فراوان تهیّه نمود. باید توجّه داشت که زندگی در ایران و تهیّه عکس از اماکن امری در شرایط آن روز برای خانمی خارجی، مشکلات و موانع فراوانی در برداشت. چه بسیار شبها و روزهای سرد که افی اجباراً بایستی سوار بر قاطر از کوره راه ها و کوهستانهای خطرناک در حالی که خود را در چادر پیچیده و دوربین و وسائل عکسبرداری خویش را مخفی کرده بود، عبور نماید تا بتواند بدون جلب نظر مردم از مکانی امری و تاریخی عکسبرداری نماید. او فیلم ها را شخصاً ظاهر و عکس ها را نیز خود چاپ می کرد. در شرایطی که تاریکخانه و آب صاف و تمیز در دسترس نبود ... وقتی او به حیفا مراجعت نمود، متجاوز از یک هزار عکس همراه داشت که قریب ۴۰۰ قطعه آن به تدریج منتشر گردید.

حکایت

حضرت عبدالبهاء ضامن صحبت های خود در یکی از شب های پائیز در ارض اقدس ، این حکایت را نقل فرموده اند : موسیقی در من اثر عجیبی دارد . مدت ها بود که صدای قشنگ سازی نشنیده بودم . هنگامی که از بغداد به اسلامبول می رفتیم ، شبی در کنار رودخانه ی دجله در چادرها و خیمه ها ماندیم . کمی آن طرف تر ، چوپانها چادر زده بودند و چوپانی نی می زد . صدای نی آن قدر در من اثر کرد که تا صبح نخواستیدم .

نقل از ورقا

۱۵- مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبها جَلَّ ثَنَاؤُهُ

هوالبهی الابهی

ای بی نیاز آن مرغان چمن را پرواز ده و آن بلبلان گلشن را به غزلخوانی دمساز نما و به آواز ملکوت ابهات همراز کن . وجد و طربی در قلوب انداز و جذب و ولهی در افنده و ارواح افکن تا هر یک با چنگ و دف و نی ، هی هی آغاز نماید و صفت حمد تو گوید تا هیکل عالم به اهتزاز آید و به هلله و ولوله ، آهنگ چنگ الهی را به ملکوت ابهی رساند . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبها - چاپ لانگهاین - ص ۲۷۴